

مصاحبه فرخ نگهدار با رادیو ایرانیان مقیم امریکا

* برخی ها جمهوری اسلامی را با رژیم شاه یکی تصور کرده و معتقدند تحولات مانند زمان شاه که با سرنگونی آن رژیم پیش برده شد، در این رژیم نیز با سرنگونی پیش می رود. با انتخاباتی که انجام شد، آنها به نظر من باید دوباره تصمیم بگیرند!

فرخ نگهدار، بعنوان عضو شورای مرکزی فدائیان خلق اکثریت، در یک مصاحبه تلفنی با رادیو ایرانیان در لس آنجلس، در مورد انتخابات اخیر ریاست جمهوری نقطه نظراتش را اینگونه تشریح کرد:

- فکر می کنم در تمام جمهوری اسلامی و تمام نیروهائی که به نوعی تعلق به این نظام حاکم دارند، شاید بتوان گفت ایشان بهترین شانس را برای ایجاد تحول و تغییر در جامعه ما داشت و بنظر من، آقای خاتمی بیشترین ظرفیت را در جهت دمکراتیزه شدن و در جهت تامین حقوق مردم و تقویت نهادهای مدنی و قانونمند شدن جامعه دارد. بنظر من آقای خاتمی روی مسائلی که بنظر من عمده است در جامعه ما برای تحول، انگشت گذاشت و این مسائل را می بیند و می فهمد. البته این دیدن و فهمیدن به فعل و یا تحول جدی در دنیای واقع تبدیل خواهد شد یا نه، بستگی به تصمیم و نظر خود ایشان و از جنبه دیگر به آینده نیروهائی که در جامعه عمل می کنند دارد. تاکید ایشان بر اینکه مردم وجود دارند در جامعه و مردم نقش دارند و خودش هم بوسیله مردم انتخاب شده و نه به فرموده، یا براساس توافقی پشت پرده که سکان قدرت را بدستش سپرده باشند.

* با توجه به این نظرات شما در مورد آقای خاتمی، چگونه شورای مرکزی سازمان از یکی دو ماه پیش از انتخابات، آن را تحریم کرد و به مردم گفت که نباید رای بدهند؟

- شورای مرکزی بر اساس موازین دمکراتیک و براساس ضوابطی که خودمان مقرر کرده ایم، تصمیم می گیرد، یعنی بر اساس رای اکثریت شورا. پیشنهاد من به شورای چیز دیگری بود. پیشنهاد من بطور مشخص این بود که اگر در جمهوری اسلامی یک شکافی که یکسوی آن روحانیت مبارز و ولی فقیه و نهادهای سرکوبگر و در سوی دیگر انتلافی از ناراضیان قدرت ولایت فقیه، مردم بی طرف نخواهند بود. ارزیابی من بطور مشخص این بود، که اگر کارگزاران، روحانیون مبارز و همانها که در اطراف روزنامه سلام جمع شده اند، یک کاندیدای واحد ارائه دهند، شورای نگهبان در وضعیتی نیست که بسادگی حذف کند؛ بنابراین یا حکومت دچار بحران شدید خواهد شد و یا اگر حذف نکرد مردم برآمد خواهند کرد و مداخله خواهند کرد و کاندیدای مورد تایید ولایت فقیه را کنار خواهند زد. ارزیابی من این بود و درنامه ها و مطالبی هم که برای شورای مرکزی نوشتم براین پایه بود، که این امکان نظر به شناختی که از جامعه ایران دارم و نظر به تحلیلی که از تناسب قوا دارم در درون حکومت، این ارزیابی که در راس حکومت هر تصمیمی که گرفته شود، همان پیش خواهد رفت خطاست. از طرفی نهادهای جامعه مدنی رشد پیدا کرده و در حد معینی هویت پیدا کرده اند و اینها تبدیل به نهاد قدرت شده اند. منظورم احزاب، سازمان ها، انجمن های فرهنگی و بخصوص مطبوعات و رسانه های گروهی و ارتباطی در بین جامعه بوجود آمده است. مناسباتی که در پائین بطور افقی شکل گرفته، سطح دانش سیاسی و سواد که در جامعه رشد پیدا کرده این امکان را نه به ولایت فقیه و نه به اعلیحضرت آریامهر و نه هرکسی دیگر که خواهد به شیوه تصمیم گیری فردی و فشار از بالا خواسته خودش را به جامعه تحمیل کند می بیند. البته آن زمان هنوز آقای خاتمی مطرح نبود و لی وقتی آقای خاتمی کاندیدا شد نظر به سوابق و شناخت شخصی که از خصوصیات او داشتم فکر می کردم به هیچ وجه پایه اجتماعی سازمان ما، یعنی روشنفکران، فرهنگیان، هنرمندان، دانشجویان و کسانی که از دیدگاه مدرن با مسائل سیاسی آشنا هستند، بی طرف نیستند و ما اگر بخواهیم دمکراتیک برخورد کنیم، ما بعنوان شورای مرکزی سازمان دارم صحبت می کنم، این را باید بفهمیم که وظیفه رهبری دیدن خواست و تمایل توده ای است که به ما اعتماد کرده و ما منعکس کننده خواست و تمایل آن جمعی باید باشیم که ما را بعنوان شورای

مرکزی می پذیرد و می فهمد و توجه دارد به گفته ما. ما هم باید او را بفهمیم، بدانیم که چه می خواهد و همان را منعکس کنیم و ما مطلع بودیم که در پایه اجتماعی ما، سازمان ما در ایران بی طرف نبود نسبت به این قضایا و می خواست مشارکت داشته باشد و مشارکت هم داشت.

* وقتی آقای خاتمی اکثریت آراء را تحصیل کرد شما شگفت زده نشدید؟
- نظر من این بود که آقای خاتمی حذف شدنی نیست و حداکثر انتخابات به دور دوم می کشد ولی این انتخاب من را ذوق زده کرد نه شگفت زده!

* شورای مرکزی در باب این اشتباهش هیچ بیانیه ای یا مقاله ای منتشر کرده است؟

- من نمی توانم این ارزیابی را با این کلمه بیان کنم، چون این نظر رسمی شورا است، ولی ارزیابی نادقیق از تناسب نیروها از سطح مشارکت مردم در مصاحبه ها و صحبت های درونی شورا، این عناوین را گفته اند و طرح کرده اند. کسانی که رای داده اند به تحریم که ارزیابی نادقیق و دست پائین را گرفتن مثلا نقش مردم در انتخابات. من شخصا اینطور برداشت می کنم که امروز نظر غالب در شورای مرکزی سازمان ما، اکنون طرفدار این است که خوب بود در انتخابات مسئله "شرکت نکنید" (تحریم) را طرح نمی کرد و می گفت: «مردم به ناطق نوری رای ندهید» یعنی یک نوع حمایت ضمنی، به برداشت من از خاتمی و البته این نظر من نیست. معیار من که تاکید کردم این ارزیابی بود که روشنفکران، آدم های فهمیده، بخصوص نیروهائی که طرفدار سازمان ما هستند، در داخل کشور تصمیم گرفتند که رای بدهند و اگر ما آدم های دمکراتی باشیم به این رای باید احترام بگذاریم. تصمیم یک سازمان سیاسی دمکراتیک فقط این نیست که در راسش اتخاذ می شود، تصمیم درست آن تصمیمی است که انعکاس دهنده خواست های پایه های همان سازمان باشد.

* با توجه و نگرش به امید آفرینی های ناشی از گزینش های خاتمی، حتما شنیده اید که بعضی ها می گویند اپوزیسیون برون مرزی منجمد شده و یا منتظر است مثل بسیاری از مردم تا ببیند که دولت خاتمی چه خواهد کرد. در شرایط فعلی وظائف نیروهای مخالف رژیم را چه می دانید؟

- بنظر من اینست که سمت اصلی مبارزه باید به سمت استبداد مذهبی و طرفدارانش و ولایت فقیه باشد. به نظر من آن کسانی دچار بن بست یا دچار مسئله یا دچار توقف و یا دچار انتظار شده اند که مشی دیگری را دنبال می کردند. به این مشی فکر می کردند که برای هر نوع تحول مثبت در ایران، دگرگونی کامل جمهوری اسلامی ضروری است، یعنی همان درسی را که در رژیم شاه آموخته بودند که رژیم شاه تحول ناپذیر نیست و هر نوع تحولی را باید با سرنگونی رژیم شاه پیش برد. همین الگو و استراتژی را با رژیم جمهوری اسلامی میخواستند پیاده کنند. سازمان مجاهدین و افراطی های چپ و راست را من در این زمره قلمداد می کنم و این گونه افراد و سازمان ها دو باره باید تصمیم بگیرند.

* در ارتباط با امکان فعالیت آزاد احزاب در داخل کشور، فرخ نگهدار گفت:

- به مجرد اینکه فضا برای آزادی احزاب باز شود، من فکر می کنم سازمان ما تصمیم خواهد گرفت ستاد رهبری خودش را بداخل کشور منتقل کند.

گردهمائی جنبش الهیات رهاشبخش

انجمن تعلیمات دینی هواداران نریکی مذاهب^۱ در امریکا لاتین و کارائیب، پنجمین کنفرانس خود را در نیمه دوم ماه ژوئن ۱۹۹۷ در ایالت "ماتازاس" کوبا برگزار کرد. هدف اصلی این کنفرانس که با شرکت ۱۳۰ نماینده از کشورهای منطقه بر پا شد، عبارت بود از ارزیابی مسائل مربوط به جنبش الهیات رهاشبخش^۲ در جهان امروز.

شرکت کنندگان در این کنفرانس، به بررسی موضوعاتی مانند مهاجرت، فمینیسم و جهان بینی مذهبی، اثرات سیاست های نولیبرالی بر زندگی توده های میلیونی پرداخته، پیرامون اتخاذ سیاست های مشخص در رویارویی با چالشهای جدید به تبادل نظر پرداختند.